

نگارگری هرات در دوره تیموریان و امتداد آن از بهزاد تا مشعل



نگارنده: پوهاند دکتر فضل الرحمن فقیهی*

چکیده

دوره تیموریان از دوره‌های مهم تاریخ هرات در ادبیات و هنر به‌شمار می‌رود و هنر نگارگری در این دوره، شکوفایی ویژه داشته است. سیر تاریخی هنر نگارگری از آن سامان تا دوره معاصر، ارزش‌مند می‌نماید و راه را برای شناخت تمدن دوره تیموریان، باز می‌سازد. بحث در این مورد به دلیل نیاز امروزیان به آگاهی از پیشینه نگارگری در هرات، حایز اهمیت است. این موضوع در این مقاله بر مبنای چنین ارزش و اهمیتی با روش تحلیلی-توصیفی به پژوهش گرفته شده است. غرض اصلی آن است که شاخص‌های هنر در قرن نهم و دوره معاصر برجسته‌تر شود و نقش‌شان روشن‌تر گردد؛ پاسخ خواهد داد که افول هنر نگارگری در هرات چه‌گونه واقع شد و سرآغاز احیای مجدد آن چه‌طور و توسط چه کسی انجام گردید. سرآمد دوران تیموریان در نگارگری، بهزاد هروی بوده است؛ اما بعد از افول هنر نگارگری بعد از تیموریان، هنر نگارگری در دوران معاصر، توسط مشعل غوری احیا می‌شود و ادامه آن تا امروز به‌وسیله شاگردان وی ادامه یافته است.

واژه‌گان کلیدی: هرات، تیموریان، بهزاد، مشعل، نگارگری.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 05/ 03/ 2023

Accepted: 07/ 06/ 2023

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.12.I2.1>

PP: 1-18

Painting of Herat during Temori Time and its Extension from Behzad to Mashal**Author:** Pro. Fazlurrahman Faqihi (PhD) ***Abstract**

Timuri period is considered as one of the most significant periods in the history of Herat in terms of literature and art, and the art of painting flourished in this period. The historical course of the art of painting from that time to the contemporary period is valuable and opens the way to knowing the civilization of this period. The discussion on this issue is important because of the need of today's people to know about the history of painting in Herat. This issue has been researched in this article based on such value and importance with analytical-descriptive method. Its main purpose is to highlight the indexes of art in the 9th century and the contemporary period and clarify their role; it will answer how the decline of the art of painting in Herat happened and how and by whom was the beginning of its revival. The leader of the Timuri era in painting was Behzad Heravi, but after the decline of the art of painting, the art of painting in the contemporary era is revived by Meshaal Ghori and its continuation has been going on until today by his students.

Keywords: Herat, Timurian, Behzad, Meshal, painting.

* Professor at Dari Literature Department, Faculty of Literature and Humanities, Herat University, Herat, Afghanistan (faqihifazl@gmail.com)

۱. مقدمه

هرات از مراکز تمدن خراسان اسلامی است و در منطقه و جهان در ادب و هنر، نام و نشانی دارد. در این مرکز بزرگ، شمار زیادی از هنرمندان و اهل دانش، پدید آمدند و رشد کردند و خفته‌اند؛ به‌حدی که در کم‌ترین جایی از جهان بدین‌پیمانه اهل ادب و هنر بوده‌اند و حضور داشته‌اند. دوره تیموریان، اوج شکوفایی هنر و ادب این سرزمین است و هنر نگارگری در پهلوی ادبیات از اموری بوده که باعث نام‌آوری این دوره در جهان و منطقه شده است. مهم‌ترین شخصیتی که در حوزه هنر نگارگری هرات درخشیده، استاد کمال‌الدین بهزاد است، که سیطره قدرت نگارگری وی از مشرق تا هند بابرین و از مشرق تا تبریز و فارس و از شمال تا بخارا و سمرقند را درنور دیده بود. هرچند بعد از تیموریان، هرات دوره افول ادب و هنر را تجربه کرد، اما رگه‌هایی از هنر نگارگری بهزاد تا دوره معاصر ادامه یافت و سرانجام توسط مشعل غوری هروی، دوباره احیا گردید و تا امروز به نحوی توسط ابنای این سرزمین ادامه یافته است.

بحث در نگارگری بهزاد در هرات و احیای دوباره آن از مواردی است که در تاریخ گذشته و وضع معاصر هنر نگارگری هرات ارزش مند می‌نماید؛ چه تشریح و تبیین پیشینه و حال هنر نگارگری هرات، بخشی از تمدن این سرزمین را برملا می‌سازد و فهم و درک آن برای نسل کنونی از موضوعات بااهمیت است. در این باره تا حدی که نگارنده اطلاع دارد، کدام بحث و پژوهش متمرکز بر نقش دو شخصیت بهزاد و مشعل، صورت نگرفته است؛ تنها در برخی آثار تاریخی به‌گونه ضمنی اشاره‌هایی بدین امور شده است. هرچند این مبحث، تحقیقی عمیق و گسترده را می‌خواهد؛ اما این مقاله بدین مسأله خطیر و ارزش مند پرداخته، راه را برای پژوهش‌های کلان‌تر باز خواهد کرد.

هدف این مقاله آن است که: نقش بهزاد در نقاشی و نگارگری دوره تیموریان برجسته گردد و سهم وی در این زمینه تبیین شود؛ تأثیرگذاری بهزاد در هنر دوره تیموریان و بعداز آن و نیز در حوزه‌های دیگر بیان شود و آثار باز مانده از وی متباز گردد؛ احیای دوباره نگارگری بهزاد در دوره معاصر و نقش مشعل غوری هروی در این احیاگری متبازر شود و مشخص گردد که چه زحماتی در این راه انجام شده است.

بنابراین، مقاله حاضر به این پرسش‌ها پاسخ خواهد داد که: شکوفایی هنر در دوره تیموریان چه‌گونه بوده است؟ نقش بهزاد در شکوفایی هنر نگارگری این دوره چه‌گونه قابل ارزش‌یابی است؟ بعد از فروپاشی تیموریان و افول هنر، چه چیزی در دوره معاصر باعث شد تا به احیای دوباره مکتب بهزاد اقدام شود و نقش مشعل غوری هروی در این میانه چه بوده است؟

این تحقیق با روش کتاب‌خانه‌یی انجام پذیرفته و از نوع تحلیلی- توصیفی شمرده می‌شود. در انجام پژوهش، از آثار پژوهشی گذشته استفاده شده و همچنان که در محدوده مکانی هرات انجام شده، محدوده زمانی دوره تیموریان تا دوره معاصر را به گونه کوتاه در بر گرفته است. یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهند که هرچند شکوفایی هنر نگارگری، با فروپاشی حاکمیت تیموریان هرات، راه افول و انحطاط را در این حوزه پیمود، اما در دوره معاصر، احیای مجدد این هنر، آغاز یافت و مشعل غوری هروی از محرکان اصلی چرخه رشد دوباره نگارگری در هرات بود. رشد هنر نگارگری در هرات، هم‌اکنون نیز قابل وصف است و این ثمره برکت تلاش‌های مشعل غوری هروی است، که دوستان و هواداران این نوع هنر، آن را استقبال می‌نمایند.

۲. وضع هنر در دوره تیموریان

هرات در دوره تیموریان، نه تنها در ادبیات، بل که در همه ابعاد هنر و امور حیات پیش‌رفت‌های گسترده داشته است. در این دوره انواع هنر به کمال خود رسید و هرکدام از آن‌ها سبک ویژه‌یی را نصیب گردید. شاهان و شهزاده‌گان تیموری که خود نیز در این زمینه استعداد‌های والا داشتند، برای تکامل هنر نگارگری، زحمات زیادی را متقبل شدند و به تشویق هنرمندان پرداختند. این امر باعث شد تا نقاشان، خطاطان و نگارگران زیادی در این عصر ظهور کنند. از انحنای منطقه به هرات که پایتخت تیموریان بود بیانید و در تحت حمایت شهزاده‌گان هنرپرور قرار داشته باشند. بیان منابع تاریخی (غبار، ۱۳۸۷: ۲۷۳)، می‌رساند که «عهد حاکمیت سلطان حسین بایقرا (ف ۹۱۰ هـ.ق) علی‌رغم پیچیده‌گی‌های اداری و جنگ‌های شهزاده‌گان، از نظر فرهنگ و انواع هنر، عهد ممتازی در تاریخ هرات و نواحی آن به حساب می‌رفته است».

بر مبنای بیان آثار تاریخی‌یی که به ثبت ادب و هنر پرداختند (ژوبل، ۱۳۸۳: ۱۸۹-۱۹۰)، نوابغ بزرگی مانند بهزاد هروی در رسامی و نقاشی و سلطان علی در خطاطی در این دوره ظهور کردند. نگارستان هرات در این عهد، تأسیس شد و آن جای‌گاهی بود که هنرمندان در آن به نقاشی، خطاطی و سایر انواع هنر با کمال مهارت مشغول کار بودند. آثار هنری این دوره، نماینده قریحه بلند، ذوق هنری و کمال لیاقت استادان آن زمان را آینه‌داری می‌نماید و معرف مکتب و سبک ویژه آن عهد است، که به اوج اعتلای خود رسیده بود.

همّت شاهان تیموری در کارهای فرهنگی و خدمات علمی به حدّ اعلی رسیده بود. شاه‌رخ در سال ۸۳۳ با ارسال نامه و قاصدی به‌جانب حرم مکه مکرمه تقاضا می‌کند و ابراز می‌دارد که بر خود نذر کرده و اراده دارد تا افتخار پوش کردن خانه کعبه را به دست آورد و به آماده‌ساختن آن اقدام نماید (مقریزی، ۱۹۹۷: ۷/ ۲۰۱ و ۲۷۶). این خواسته شاه‌رخ به اثر مخالفت امیر وقت مکه «ملک اشرف

برسبای» تحقق نمی‌یابد و حتا بعد از تکرار تقاضا، حاکم مذکور، هیئت قاصدان شاه‌رخ را با توهین و لت‌وکوب باز می‌گرداند؛ اما بعد از آن که حاکمیت آن دیار به «ملک ظاهر» امیر دیگری تعلق می‌گیرد، تقاضای خویش را تکرار می‌نماید و با حسن رابطه به اجرا در می‌آید (سخاوی، بی‌تا: ۳/۲۹۷). تقاضا و انجام چنین کار مهم، ارزش هنر در نزد شاهان تیموری را به اثبات می‌رساند و بیان می‌دارد که آنان چه قدر به کارهای هنری ارزش می‌دادند.

مهم‌ترین شخصیتی که در دوره تیموریان به کارهای هنری سخت علاقه داشت و خودش هنرمند بود، بایسنقر است. بایسنقر را به حق می‌توان از بزرگ‌ترین کتاب‌دوستان جهان برشمرد و این امر از آن روی اثبات می‌گردد، که بر طبق اسناد به‌جای مانده از آن روزگاران، چهل خطاط و نقاش به رهبری مولانا جعفر تبریزی در کتاب‌خانه او پیوسته به کار تحریر نسخ و تذهیب و تصویر کتاب‌ها اشتغال داشتند. طبق ثبت تاریخ‌نگاران (صفا، ۱۳۸۳: ۴، ۱۲)، خوش‌نویسان ماهری «به استنساخ کتب سرگرم بودند و آن کتاب‌ها را مُذهِّبان و نقاشان چیره‌دستی تزئین می‌کردند، صحافان ماهر جلد‌های گران‌بها برای آن‌ها ترتیب می‌دادند و از این راه، نفایسی که هر یک به دنیایی ارزند پدید می‌آوردند». قرار آن چه مجمل فصیحی نگاشته است (۱۳۸۶: ۱۱۲۶)، بایسنقر با پرداخت دست‌مزدهای گزاف و اعطای انعام‌های شاهانه، هنرمندترین استادان خط و تذهیب را در نزد خود نگه می‌داشت و آنان برای وی ظریف‌ترین آثار را در خط، تذهیب، جلدبندی و صحافی به ظهور می‌آوردند.

۳. بهزاد هروی، طلایه‌دار نگارگری دوره تیموریان

از هنرمندان مشهور در تاریخ هرات، که در دوره تیموریان می‌زیسته و شهرت بسیار و دوام‌دار یافته، کمال‌الدین بهزاد است، که در بین سال‌های ۸۴۴-۹۴۲ هـ.ق در هرات دیده به جهان گشود (همایون، ۱۳۸۰: ۶۰). درباره نخستین سال‌های زنده‌گی بهزاد تا پیش از راه‌یابی وی به خدمت نوایی معلومات چندانی در دست نیست و حتا خواندمیر که هم‌روزگار بهزاد بوده در حبیب‌السیر به تاریخ تولد وی اشاره نکرده است (افضلی، ۱۳۹۰: ۱۹). گویند که بهزاد بینواپسری بود که نقاشان دربار تیموری به آموزش وی پرداخته و «او را به شاگردی داشتند و در خلال کار، آثار نبوغ در او مشاهده کردند» (همایون، ۱۳۸۰: ۶۰). این بدان معنا است که استعداد فطری بهزاد، وی را به جای‌گاه بلند هنری رسانده است.

بهزاد هرچند در خردسالی از سایه پدر و مادر محروم گردید؛ اما آموزش وی نزد میرک، باعث شد که به کتاب‌خانه شاهی راه یابد؛ به‌جایی که نه تنها کتاب‌خانه، بل که محل تجمع خوش‌نویسان، نقاشان، تذهیب‌کاران، طلاکاران و شیرازه‌بندان بسیاری بود (افضلی، ۱۳۹۰: ۶۳). او توانست با استعداد نیرومندش، شهرت و جای‌گاه بلندی را در هنر نگارگری کسب کند؛ چنان‌که گفته‌اند وی «از

ستاره‌گان آسمان هنر در عصر خود بود» (همایون، ۱۳۸۰: ۶۰). بهزاد هرچند استعداد عجیبی داشته، اما نزد استادانی آموزش یافته است. معروف‌ترین استاد بهزاد، میرک بوده است. برخی وی را «سیدروح الله میرک» (افضلی، ۱۳۹۰: ۶۳)، بعضی دیگر «سید نورالله میرک» (همایون، ۱۳۸۰: ۶۰)، و در برخ منابع «میر نورالله میرک» (دهخدا: بهزاد) خوانده‌اند.

علاوه بر شاگردی بهزاد در نزد میرک نقاش، شماری از دانش‌مندان، پیر سیداحمد تبریزی و کسان دیگری را نیز استاد بهزاد شمرده‌اند، که شاید از استادان متعددی هنر آموخته باشد؛ با این‌هم مهم‌ترین استاد بهزاد، همان میرک نقاش بوده، که به گفته دهخدا اهل هرات بوده و به حیث کتاب‌دار سلطان حسین بایقرا انجام‌وظیفه می‌کرده است (دهخدا: بهزاد).

بهزاد در هرات به هر یک از بزرگان سیاست و دانش و ادب، مانند سلطان حسین بایقرا، امیرعلی شیر نوایی، مولانا عبدالرحمن جامی و غیاث‌الدین خواندمیر روابط ویژه داشت. امیرعلی شیر نوایی مشوق هنری وی بود، سلطان حسین بایقرا نیز به وی التفات و عنایت بسیار داشت و هر دو هم‌واره از او حمایت و پشتیبانی می‌کردند (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۲۰)؛ به‌گونه قطع می‌توان گفت که این حمایت‌ها در رشد شخصیت و جای‌گاه هنری بهزاد اثری ارزنده داشته است.

کمال‌الدین بهزاد، پس از برافتادن تیموریان خراسان به دست شیبانیان، هم‌چنان در هرات ماند. بعد از استیلای شاه اسماعیل صفوی بر ازبکان، هم‌راه وی به تبریز رفت و در آن‌جا با کمال عزت و احترام می‌زیست. وی در سال ۹۲۸ ه.ق. به ریاست کتاب‌خانه سلطنتی منصوب گردید (دهخدا: بهزاد)؛

درباره سال وفات کمال‌الدین بهزاد و محل دفن وی، سخن واحدی وجود ندارد. سرور همایون (۱۳۸۰: ۶۰)، ادعا داشته که «در سال ۹۴۲ ه.ق. درگذشته و جسد او را به هرات آورده، در دامنه کوه مختار به خاک سپردند». کوه مختار در شمال شهر هرات، معروف است و در آن‌جا مرقدی به نام بهزاد نیز نشانی شده است؛ اما دهخدا در محل دفن وی دو قول را ذکر کرده و گفته که: «به قولی در تبریز درگذشت و در همان‌جا در جوار کمال‌الدین خجندی شاعر مدفون شد و به قولی در هرات درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد» (دهخدا: بهزاد).

باوجود چنین تفاوت نظر، وفات بهزاد و دفن وی در هرجایی صورت گرفته باشد، او در اصل از هرات بوده و در این شهر تربیت و رشد یافته است؛ بنابراین جای‌گاه هنری وی به این آب‌و‌خاک پیوند ناگسستنی دارد و از همین‌رو وی را همیشه «هروی» یاد نموده‌اند.

۴. نگاهی گذرا به ویژه‌گی‌های نگارگری بهزاد

ابراز نظر در مورد ویژه‌گی‌های نگارگری بهزاد، موضوعی تخصصی و دشواری است، که نگارگران کارآگاه باید در این حوزه ابراز نظر نمایند؛ هم‌چنان‌که این موضوع، بحثی مفصل، مستقل و همه‌جانبه‌یی را نیازمند است. سخن دربارهٔ ویژه‌گی‌های هنر بهزاد دُچار ابهام نیز می‌شود، به‌دلیل آن‌که «نظر به شهرت بهزاد طی قرن‌ها کسان بسیاری کارهای او را تقلید کرده‌اند و نامش را بر تصویرهای بی‌شمار گذاشته‌اند؛ از این‌رو، تمییز دادن تصویرهای اصلی او کار دشواری است» (دهخدا: بهزاد)؛ باوجود آن، شماری از اهل قلم دربارهٔ ویژه‌گی‌های هنر بهزاد ابراز نظرهایی کرده‌اند. دهخدا در لغت‌نامهٔ دایرةالمعارفی خود نوشته است که: «اساس اطلاعاتی که از کار بهزاد در دست است، تصویرهایی است که با امضای اصیل او در نسخه‌یی از بوستان سعدی نقش شده، و اینک در کتاب‌خانهٔ ملی قاهره مخزون است» (ذیل واژهٔ بهزاد).

برخی اهل نظر (جکسون، ۱۳۸۷: ۳۳۷)، گفته‌اند که از ویژه‌گی‌های بارز هنر مینیاتوری مکتب هرات در اواخر دورهٔ تیموری که بهزاد در رأس آن قرار داشت، مقیاس کوچک و رنگ‌مایهٔ پایین، نوآوری، صمیمیت و هم‌آهنگی ترکیب‌بندی‌ها به‌شمار می‌رود؛ اما در هیچ زمان دیگری هنر به آن میزان از حساسیت بصری و لمسی که تقریباً در تمام آثار این مکتب دیده می‌شود، نرسیده است. یکی دیگر از ویژه‌گی‌های آثار این دوره استاندارد فنی و مهارتی بسیار بالا در اجرای هر یک از جزئیات آن‌ها است.

فعالیت‌های هنری بهزاد را از نگاه کیفیت و تکامل به چند دوره تقسیم نموده‌اند. در آغاز سبک نقاشی وی را چینی- مغولی دانسته‌اند، که به ترسیم صحراگردی و جنگ‌آوری می‌پرداخت و صحنه‌های جنگ و شکار حیوانات را به تصویر می‌کشید؛ سپس بهزاد، هنرش را از چینی- مغولی، به مایه‌های بومی خراسانی مبدل ساخت (افضلی، ۱۳۹۰: ۶۴). این دوگانگی شاید از آن‌جا بوده باشد، که ویژه‌گی نخستین، باتوجه به اصالت ترک‌تباری تیموریان و اساس مایهٔ دورهٔ مغول بازمانده بوده است؛ اما بعدها فرهنگ خراسانی در کارهای هنری تأثیرگذار شده است. بدین ترتیب رفته‌رفته و به تدریج، «با قلم جادونگار این هنرمند، اثرات غیراصیل از صفحهٔ نگارگری زدوده شد» (همایون، ۱۳۸۰: ۶۰).

یکی از ویژه‌گی‌های دیگر نگارگری بهزاد، ترسیم نقش‌ها و چهره‌ها بود، که تا آن زمان کسی به ترسیم سیمای اشخاص قادر نبود. بهزاد نخستین کسی بود که به ترسیم تصاویری از صورت شاه و درباریانش پرداخت؛ هم‌چنین تصاویری از مناظر طبیعی، حیوانات و مجالس درباری نیز در میان آثار وی به چشم می‌خورد (افضلی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۴)؛ بدین ترتیب، او در این حوزه، تخصص و دست‌بالایی خود را به اثبات رساند و آثار بازمانده از آن دوره، این حقیقت را به اثبات می‌رساند.

ترکیب رنگ‌های گوناگون نیز از ویژه‌گی‌های هنر این دوره و از ابتکارات بهزاد بوده است؛ چه «هنر کتاب‌سازی و خوش‌نویسی در آن، زمینه مینیاتور و نقاشی چندین رنگی در تزیین کتاب را سبب شد و ابتکار در این زمینه به دست کمال‌الدین بهزاد بود» (همایون، ۱۳۸۰: ۵۹). او با این ابتکارات خود، زمینه سایر بخش‌های هنری در کتابخانه شاهی هرات را مساعد می‌ساخت؛ کتابخانه‌یی که «یکی از مهم‌ترین کانون‌های هنری در عهد تیموریان به‌شمار می‌رفت» (افضلی، ۱۳۹۰: ۶۳). به‌طور کلی، با توجه به آن‌چه برخی اهل تحقیق درباره خصوصیات هنر دوره تیموریان ذکر کرده‌اند (همایون، ۱۳۸۰: ۶۱)، اموری از قبیل دقت در خطوط تصویر، نمایان‌ساختن حالت چهره، ظرافت مناظر طبیعت از قبیل ابر، آسمان، خورشید و سیاره‌ها، رنگ‌های تیره و سرمه‌یی، سبز کم‌رنگ، طلاکاری و نقره‌کاری، ... تبدیل قیافه مغولی و چینی به هراتی، ریزه‌کاری در تجسم عمارت‌ها، فرش‌ها و لباس و محافل عشق صوفیانه یا رسمی، نمایش عواطف عارفانه و حقایق زنده‌گی و جمال کاینات، از قبیل ناله پرنده‌گان، رخسندگی گل‌ها و شکوفه‌ها، جوی‌باران، طنّازی مه‌رویان، سماع صوفیه، و آن‌چه حکیم سنایی و عطار نیشابوری در شعر گفته بودند، همه از ویژه‌گی‌های هنری آثار بهزاد به‌شمار می‌رود.

۵. کارهای هنری این دوره

در دوره تیموریان، توسط بهزاد هروی و دیگر هنرمندان، کارهای ارزنده‌یی انجام شد و آثار گران‌بهایی را ایجاد نمودند. آثاری در کتابخانه ایجاد شده در این دوره، خطاطی و نقاشی شده بود. براساس آن‌چه اهل تحقیق نوشته‌اند (جکسون، ۱۳۸۷: ۳۳۷)، نسخه‌هایی که در این دوره هنر مینیاتوری در بین آن‌ها کار شده، عبارت بوده‌اند از: *گلستان*، *بوستان*، *خمسه نظامی*، *منطق‌الطیر* عطار، *ظفرنامه* نوایی و *مخزن‌الاسرار* نظامی. این آثار هم‌اکنون در موزیم‌های جهان موجود اند. *خمسه نظامی*، که در کتابخانه بریتانیا نگهداری شده، دارای چهل‌وشش مینیاتوری است و سبک جدیدی را نمایش می‌دهد.

بیش‌ترین کارهای هنری توسط خود بایسنقر و هنرمندانی انجام می‌شد، که گرد آورده بود. او خدمات بسیاری در جهت گسترش و رشد دانش و فرهنگ انجام داد. وی قرآن بزرگی به خط خویش نوشت و البته اوراق آن اکنون زینت‌بخش موزه‌های جهان است. وی دستور به جمع‌آوری شاه‌نامه فردوسی نیز داد و مقدمه‌یی بر آن در سال ۸۲۹ هجری نگاشت که البته اکنون این شاه‌نامه مأخذ نسخه‌های شاه‌نامه است (فصیح، ۱۳۸۶: ۱۲۲۸).

وجود ساختمان‌های هم‌راه با هنر نقاشی مثل مدرسه گوهرشاد بیگم، مصلای هرات و سایر مکان‌های تاریخی بیان‌گر وفور کارهای هنری در این دوره است. متأسفانه از جمله کارهای هنری این

دوره به دلیل نابه‌سامانی‌های گوناگون دوره‌های بعد، کم‌ترین آثار باقی‌مانده و بیش‌تر آن نفایس روزگار از بین رفته است؛ بدین ترتیب که گفته آمد، فعالیت‌های بهزاد، همه جز هنرآفرینی کار دیگری نبود؛ گویند که «سلطان علی کتّاب می‌نوشت و بهزاد به تزئین و تذهیب آن می‌پرداخت و حاصل عمل این دو استاد، تولید اثری بود شاه‌کار و بعد شاه‌کارهای دیگر» (همایون، ۱۳۸۰: ۶۰). متأسفانه نسبت نابه‌سامان شدن اوضاع سیاسی بعد از تیموریان از آن آثار، به‌ویژه در خراسان‌زمین، کم‌تر چیزی باقی مانده است. آثار بهزاد با نابه‌سامانی‌هایی که در خراسان پدید آمده بود، به نقاط دیگر کشورهای جهان پراکنده شدند. در سال ۱۳۹۶ در یک نمایش‌گاه در هرات، تابلوهایی از تصاویری به نمایش گذاشته شد، که برخی از آنان اثرهای خیره‌کننده استاد کمال‌الدین بهزاد بودند. این تصاویر از سوی یک پژوهش‌گر امریکایی، به نام مایکل بیری از موزیم‌های امریکا، بریتانیا، هند، مصر، فرانسه، پرتغال و چندین کشور دیگر شناسایی شده‌اند و سپس تصاویر آن‌ها گرفته شده و به افغانستان انتقال گردیدند و در هرات به نمایش گذاشته شدند (زیارت‌جاهی، ۱۳۹۶).

«برخ کتاب‌هایی که با تصویرهای منسوب به بهزاد مزین‌اند و در موزیم‌های برخی از کشورها نگه‌داری می‌شوند، از این قراراند: *خمسّه امیر علی شیر نوایی*» (مورخ ۸۹۰ ه.ق. در کتاب‌خانه بودلیان)؛ *گلستان* (مورخ ۸۹۱ ه.ق. جزء مجموعه روچیلد پاریس)؛ *خمسّه نظامی* (مورخ ۸۴۶ ه.ق. موزه بریتانیا) (دهخدا: بهزاد).

۶. سقوط تیموریان و رکود هنر هرات

با سقوط تیموریان و تسلط صفویه بر هرات مهد دانش و ادب، درخشش هنر و ادب در این‌جا، تضعیف گردید؛ زیرا آنان بر کسانی که مذهب شیعه را قبول نمی‌کردند حمله‌ور می‌شدند؛ به‌طوری‌که یا به قتل می‌رسیدند و یا آبرو و عزّت شان مورد هجوم قرار می‌گرفت و بدین ترتیب جای مناسبی برای زنده‌گی اهل دانش و دین و ادب نبود (شبلی نعمانی، بی‌تا: ۲/۳). حادثه شهادت حافظ زین‌الدین بسیار دردآور بوده، آن‌گاه که حاضر به طعن خلفا نشد، افسران اسماعیل صفوی او را در مسجد به شهادت رساندند (غبار، ۱۳۸۸: ۱/۳۰۰).

با این اسباب وحشت‌ناک، ذخایر معنوی هرات به مواضع دیگر، ره‌سپار شد و داشته‌های هنری آن با مهاجرت هنرمندان به اطراف و اکناف منطقه، گسترش یافت. دنباله مکتب هنری هرات در فارس، هند، بخارا و ترکیه از طرف عده زیادی از هنرمندان هرات، نشر گردید و مورد بررسی و احیای مجدد قرار گرفت؛ چنان‌که در بسا موارد اهل ادب و هنر هرات، مقتدای دیگران در ادب و دانش و هنر بودند و آن مردم توانستند با اقتدا به دانش‌مندان و هنرمندان هراتی، نوع ادب و هنر تازه‌یی را پی‌ریزی نمایند.

اهل دانش و هنر به اثر حملات و جنگ‌های پی‌گیر و خانمان‌برانداز، مجبور شدند کاشانه‌شان را رها کنند و به شهرهای مهم جهان اسلام آن روزگار پناهنده شوند (حبیبی، ۱۳۹۱: ۶۲). در دوره صفویه و شیپانیه، هنرمندان نیز مانند دانش‌مندان، شاعران و نویسندگان، یا در هرات به شهادت رسیدند، یا به جای‌های دیگر، پناهنده شدند و یا به زور به جهت استفاده از ادب و هنر شان به بخارا و تبریز برده شدند.

نامساعدبودن وضع هرات و هم‌چنان تلاش صفویان برای انتقال اهل هنر و ادب از هرات به‌جانب غرب، هرات را از رشد هنری باز می‌داشت؛ چه آن‌عه از اهل هنر که با نظام متعصب صفوی نابرابر بودند، از هرات به‌جانب مشرق و هند ره‌سپار می‌شدند و آنان‌که تا حدی سر‌سازگاری داشتند و یا به آیین مذهب اهل سنت پای‌بند نبودند، به‌جانب غرب و مرکز حاکمیت صفویان برده می‌شدند.

۷. انتقال هنر هرات به خارج از هرات

تأثیرگذاری بهزاد و سبک هنری وی، تنها در هرات خلاصه نمی‌شد؛ بل که به خارج از مرزهای هرات نیز راه یافت؛ چنان‌که سبک هنری این مرد بزرگ در منطقه، از هرات به‌جانب بخارا و تبریز ره‌سپار شد. این بدان دلیل بود که در همین وقت «بهزاد هنرمند معروف هرات، از این‌جا به آن دیار برده شد و در اوایل سلطنت شاه‌طهماسب صفوی (۹۳۰ هـ.ق) در پایتخت تبریز به فعالیت هنری مشغول گشت» (صفا، ۱۳۸۹: ۴/۲۷).

به‌طور کل، تأثیرگذاری هنری هرات را در سه حوزه تبریز، بخارا و هند، می‌توان مشاهده کرد که نقش بهزاد در همه بدون شک مؤثر بوده است. خود بهزاد و تعدادی دیگر از هنرمندان به تبریز برده شدند و در آن‌جا تأثیرگذار شدند؛ طوری که «در زمان صفویه، سبک مینیاتورسازی بار دیگر دُچار تحول شد. نزدیک نیم قرن پس از بهزاد، نفوذ او در کار نقاشان به چشم می‌خورد» (همان: ۶۰-۶۴). همین‌گونه، «نقاشان هراتی سبک بهزاد را به بخارا بردند و آن را در دربار خاندان شیپانی پرورش دادند؛ کتابی به نام مهر و مشتری که در ۹۲۶ هـ.ق. در بخارا استنساخ شده، نمودار آن است که سبک بهزاد در بخارا به‌تر از تبریز حفظ شده‌است» (افضلی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۴)؛ همین‌گونه با مهاجرت برخی اهل هنر از تربیت‌یافته‌گان مکتب هنری هرات و شاگردان بهزاد به شبه‌قاره هند، «نقاشان هندوستان تحت تأثیر او موفق به ایجاد نقاشی مغولی هندوستان گردیدند» (همایون: ۶۱)؛ یعنی که رفتن و «مهاجرت برخی از نقاشان، سبب اشاعه سبک بهزاد در هندوستان نیز گردید» (افضلی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۴).

با اوج نابه‌سامانی در هرات «دربار صفویان مرجع هنروران گردید که از هرات و مکتب هنری آن پیروی می‌کردند و سبکی که ادامه مکتب هنری هرات بود، در آن دیار مورد تشویق و توجه قرار گرفت و در خطاطی و نقاشی و مَصوِّرِی و مُذَهَّبِی به دست هنرمندان هری، روش نوینی ابداع گردید» (حبیبی، ۱۳۹۱: ۶۲). از جمله هنرمندانی که در اوایل حکومت صفوی، یعنی در زمان سلطنت شاه اسماعیل اول از هرات به قزوین برده شدند، یکی استاد دولت‌محمد، خطاط و نقاش گواشانی بود (فکری سلجوقی، ۱۳۴۹: ۲)؛ همین‌گونه آقا میرک از شاگردان بهزاد از دوستان نزدیک شاه بود و یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت، به مقام نقاشی دربار رسید و پیشوای عده‌یی از نقاشان معروف بود (صفا، ۱۳۸۹: ۴/۲۷).

بعد از این که بهزاد بعد از فروپاشی سلطه تیموریان به دربار صفویان برده شد، از جانب شاه اسماعیل صفوی و بعد از او شاه طهماسب مورد تقدیر قرار گرفت و «او به ریاست هنرستان و پیشوایی هنرمندان روزگار نایل شد و مکتب هراتی نقاشی را در تبریز پایه گذاشت و آن‌جا آثار جاودانی به قلم مو آورد که در موزیم‌های مشهور جهان پراکنده است» (همایون، ۱۳۸۰: ۶۱). بدین‌طریق که گفته شد، هنر نگارگری هرات که بهزاد هروی در رأس آن قرار داشت، به‌سوی مشرق و جنوب، و به‌سوی شمال و غرب هرات در منطقه نشر و پخش شد و توانست، باعث رونق و شکوفایی هنر نگارگری در آن مناطق شود.

۸. رگه‌های ادامه هنر تا عصر حاضر

هرچند وضع نابسامان هرات، رونق هنر نگارگری در این دیار را تضعیف کرد و این هنر به سایر سرزمین‌ها انتقال یافت؛ اما با وجود آن‌هم بعد از بهزاد در هرات، کم‌وبیش هنرمندانی بودند که به روش او افتخار می‌کردند و راه او را تعقیب نموده‌اند. از شخصیت‌هایی که راه بهزاد را به شکل عالی و موفقانه تعقیب کرده و در این مسیر از همه بیش‌تر کام‌یاب بوده، استاد مشعل غوری هروی است، که کارهای ارزش‌مندی را انجام داد و شاگردان زیادی را تربیت نمود. هنر نگارگری در هرات، امروز نتیجه زحمات و تلاش‌های آن مرد بزرگ است و بیش‌تر هنرمندان امروزی، همه جای‌گاه استادی او را می‌شناسند و به تلمذ مستقیم یا بالواسطه خود در نزد او قائل هستند.

۹. ظهور مشعل در عرصه هنر معاصر

بعد از سال‌ها افول هنر در هرات، در دوره معاصر، هنرمندی دیگر در پی احیای نگارستان بهزاد شد. او استاد مشعل غوری هروی بود، که راه هنری بهزاد را با موفقیت تعقیب کرد و به‌عنوان «احیاگر نگارستان بهزاد» دانسته می‌شود. مشعل غوری هروی برای احیای هنر در هرات کوشش‌های بسیار کرد و گوی سبقت را در دوران معاصر از همه‌گان ربود.

محمدسعید مشعل غوری، فرزند محمود خان غازی است، که در سال ۱۲۹۵ هـ ش (غواص، ۱۳۲۷: ۶۹)، در کوهپایه‌های غور در قریه نیلی که روستایی از توابع شهرستان تیوره آن ولایت است، دیده به دنیا گشود. مشعل از آن رو «غوری هروی» تخلص کرده که نخست از غور بوده و سپس در هرات زنده‌گی کرده است.

مشعل در دامان خانواده هندیوست و علم‌پرور رشد کرد. مدتی با پدرش در دوره حکومت امانی به کابل می‌رود. با سقوط حکومت امان‌الله خان و پیدایش حوادث، با خانواده‌اش به غور و سپس به شهر هرات مراجعت می‌کند و نزد علمای محلی به آموزش و فراگیری علوم می‌پردازد. او بعد از آن در هرات در چوکات وظایف گوناگون دولتی خدمت نموده است و تا آخر عمر در این دیار زنده‌گی کرد. مشعل سرانجام بعد از گذراندن عمر خود با هنر و ادب، به تاریخ روز جمعه، دهم دلو سال ۱۳۷۶ هـ ش. به عمر هشتاد و چهار ساله‌گی در باغ مراد هرات وفات یافت و بعد در مقبره امام فخرالدین رازی در خیابان هرات به خاک سپرده شد.

خانواده‌یی هم‌چون سلطان محمد کاکای مشعل، شخص ادیب، شاعر، خطاط و تذهیب‌کار ماهری بود و از ذوق و قریحه شاعری و هنر نقاشی بهره برده بود. هم‌چنان پدر استاد مشعل در هندوستان روی مکتب ادبی و هنری هرات مطالعاتی انجام داد و در کتاب‌خانه او نسخه‌های بی‌نظیری از شاعران، نگارگران و نقاشان مشهور هرات وجود داشت. در ساختار ادبی و هنری ذهن مشعل، تأثیر ارزشمند و به‌سزایی داشته‌اند؛ بدین طریق مشعل اصول تذهیب و مینیاتور را نزد پدرش حاجی محمود و کاکایش سلطان محمد و دیگر نقاشان فراگرفته بود.

مشعل گاهی هنر را به شعر می‌آمیخت و در قالب سخن ارائه می‌داشت. گاهی شعر را در قالب هنر تلیفیک می‌ساخت و به مخاطب خود تقدیم می‌کرد. وی هنگامی که عدم توجه اولیای امور به هنر را می‌بیند از تلاش‌های کم‌نتیجه‌اش چنین می‌سراید:

وداع ای مکتب ناکام بهزاد ز دنیا می‌روم با نام بهزاد
چهل سال است من فریاد کردم که یاد از مکتب بهزاد کردم
ستودم مکتب تیموریان را گرفتم نام نیک غوریان را
(سلجوقی، ۱۳۹۱: ۳۰۶-۳۰۷)

درباره عدم ارزش‌دهی به هنر و ادب از جانب مردم روزگار خود گوید:

اگر نقاش آزاری ندارد متاعش نیز بازاری ندارد
بسوز ای مشعل از دیوانه‌گی‌ها که این شهر تو هشیاری ندارد
(همان‌جا)

۹-۱. احیای نگارستان بهزاد

مشعل در مینیاتوری و نقاشی مکتب کمال‌الدین بهزاد، مهارت به دست آورد و خط نستعلیق و شکسته را نیز خیلی خوب زیبا می‌نوشت و در سرایش شعر همت گماشت؛ به طرزى که تقریباً از شعرای دست‌اول هرات در زمانش گردید. او تمام عمر در احیای نگارستان بهزاد کوشید و به همین منظور، تعداد زیادی از جوانان این سرزمین را در هنر نقاشی و مینیاتوری به درجه کمال رساند، که بیش‌تر آنان به صفت آموزگار، رشته‌های هنری را درس می‌دهند و به ایجاد آثار هنری می‌پردازند. احیای مکتب نگارگری بهزاد توسط استاد مشعل باعث شده که مردم هرات برای استاد مشعل جای‌گاه خاص قائل باشند. او در عرصه‌های گوناگون با نگاه هنرمندانه و ادیبانه و با درک قوی و چرخش اسرارآمیز قلم نقاشی، احساس درونی خود را به حیث به‌ترین و بزرگ‌ترین اثرهای خویش به هم‌وطنان و میهن هدیه کرد. وی برای بیان احیای مکتب بهزاد، که خود سرانجام در این راه کام‌یاب گردید گفته است:

اگر در دهر ناشادم ولی زین ره بسی شادم
چهل سال ار کشیدم رنج بر امید شیرینی
اگر بهزاد نتوان شد ولی در پیروی چون من
بحمد الله بسی شاگرد لایق تربیت کردم
گر از غورم ولی زین ره نصیحت از پدر دارم
که من مصروف احیای نگارستان بهزادم
کنون این بی‌ستون را من به حمدالله که فرهادم
ندارد هیچ شاگردی از آن گویند استادم
اگر من هم نباشم هست نگارستان بهزادم
که من در فکر بهزاد و نگارستانش افتادم
(به‌نقل از: سلجوقی، ۱۳۹۱: ۳۰۶-۳۰۷)

مشعل برای احیای هنر بهزاد در هرات، مساعی زیادی را صرف کرد و حقا که توانست به احیای نگارستان بهزاد دست یابد. وی طی سروده‌یی قصیده‌گونه مراحل احیای هنر و نگارستان بهزاد را به تصویر کشیده، که این مقال، گنجایش ذکر همه ابیات آن را ندارد. او از اقدام خود به احیای نگارستان بهزاد و کم‌توجهی مسؤولان امور چنین می‌سراید:

من هنر را زنده کردم در هرات باستانی
افتخارات ترا دایم به خود می‌بست اندر
اندین ره هر قدر افتادم و برخاستم من
سال‌ها بهزاد گفتم رنج بردم ناله کردم
خدمتی ارزنده کردم ای معارف گر بدانی
لیک من واپس گرفتم با وجود ناتوانی
هیچ کس یارم نگردید از مقامات کلانی
کم شنید ارباب قدرت از اعالی و ادانی
(به‌نقل از: فقیهی، ۱۴۰۱: ۲۰۶)

مشعل غوری هر وی در ابیاتی از قصیده مذکور، از خدمات عبدالله خان ملکیار که در احیای نگارستان بهزاد، وی را کمک کرده یادآوری می‌کند و ابراز می‌دارد، که اگر آن والی در هرات، مدتی بیش‌تر باقی می‌ماند، هنر نگارگری رونقی متعالی می‌یافت و جای‌گاهش بالا می‌رفت. در این زمینه می‌گوید:

لیک می‌توان فراموش کرد از عصر ملکیار
چند سالی گر بماندی در هرات آن مرد نامی
فکری و عطار و میرآقا و غواصش برادر
من که ممنونم فقط از عصر عبدالله خانی
او علی شیر نوایی بود و من بهزاد ثانی
حاج اسماعیل معمارش رهین قدردانی
(همان: ۲۰۸)

بدین طریق، مشعل از شخصیت‌های هنرمند دیگر مثل فکری سلجوقی، محمد علی عطار، میرآقا حسینی، غواص و اسماعیل معمار یاد کرده که هرکدام در ادب و هنر جای‌گاهی داشتند. او سپس از والی فرهنگ‌دوست و دانش‌مند هرات غلام علی آیین، یادآوری کرده که مشعل را در احیای نگارستان بهزاد هم‌یاری نموده بود. در این زمینه گفته است:

والی‌یی آمد در این مرز آگه و با علم و دانش
سرگذشت مکتب بهزاد را گفتم برایش
شهرتش آیین و آیین بند مرز نکته دانی
گفت زحمت از شما وز من کمک با پاسبانی
(همان‌جا)

چنان می‌نماید که آیین، والی هرات استاد مشعل را در احیای نگارستان بهزاد، کمک و تشویق نموده است. در زمان همین والی و بعدازآن بوده، که هنر نگارگری هرات به دست مشعل و شاگردانش رونق گرفته و تا امروز ادامه یافته است. مشعل غوری هروی به تأسیس مکتب بهزاد اقدام می‌کند. وی پس از تلاش‌های مستمر، توانست در زیر پوشش معارف، مکتب هنری بهزاد را دوباره ایجاد نماید:

آمدم وانگه هرات و مکتبی تأسیس کردم
مکتب بهزاد را تأسیس کردم بار ثانی...
(همان‌جا)

مشعل در این مکتب به کارهای هنری و تربیه شاگردان همت می‌گماشت؛ اما مداخله و کارشکنی اداره لیسۀ بهزاد، ادامه کار احیای نگارستان بهزاد توسط مشعل را به دشواری روبه‌رو می‌نمود؛ از طرف دیگر، بزرگ‌سالی طبعاً حوصله دوران جوانی را اندک می‌سازد؛ بنابراین، استاد مشعل از تلاش‌های هنری به شکل رسمی، کناره گرفته در خانه به تربیت شاگردان در حوزه هنر می‌پردازد. وی این امر را در ابیاتی از قصیده مذکور چنین ابراز داشته است:

حال دیگر خسته گشتم نیستم مرد دویدن
باز هم بی‌کار ننشستم اگر در خانه هستم
در دعایم آن که تا حفظش کند باری تعالی
نی تقاضا دارم و نی می‌تیم نی جان فشانی
مکتبی هم دارم از دست تجاوزگر نهانی
تا که این مشعل بتابد چون چراغ آسمانی
(همان‌جا)

بدین ترتیب استاد مشعل با همت متین، به احیای نگارستان بهزاد پرداخت و او توانست دوباره هنر نقاشی، آن میراث استاد کمال‌الدین بهزاد در هرات را زنده سازد و افتخاراتی را نصیب خود و هرات باستان گرداند.

۹-۲. کارهای هنری مشعل

مشعل غوری هروری کارهای هنری زیاد و ارزنده‌یی را در هرات انجام داد. از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کارهایش، نقاشی سالون بزرگ ولایت هرات است، که آن را به شکل بسیار ظریف نقاشی کرده است. تعداد زیادی از شاگردانش تحت نظر وی این کار را به پیش برده‌اند و به اتمام رسانده‌اند. همین‌اکنون سالون ولایت هرات با نقاشی‌های مشعل موجود است و یکی از مواضع دیدنی است. مسجد جامع هرات نیز تا حدی کارهای مشعل را آیینه‌داری می‌کند. تعدادی از نقاشی‌های مشعل در این معبد بزرگ و بنای تاریخی و باستانی وجود دارد، که به شکل جای‌نماز با کاشی‌کاری‌های ظریف و زیبا توسط ادارهٔ آبدات تاریخی آماده شده و در دیوارهای داخلی و کنار ایوان‌های مسجد جامع نصب شده است.

ادامهٔ کارها و زحمات هنری مشعل غوری در احیای نگارستان بهزاد کم‌وبیش در هرات ادامه دارد و امروزه تعدادی از استادان دانش‌کدهٔ هنرهای دانش‌گاه هرات، شاگردان مستقیم یا بالواسطهٔ استاد مشعل هستند، که در ادامهٔ احیای نگارستان بهزاد کارهای ارزنده‌یی را انجام می‌دهند. نهال‌هایی را که استاد مشعل به دست خود در باغ هنر نشانده، هر روز بیش‌ازپیش، میوه می‌دهند و دوست‌داران هنر، شاهد برگزاری نمایش‌گاه‌هایی از آثار شاگردان او در داخل و خارج کشور هستند.

۱۰. نتیجه‌گیری

از آن‌چه در این مقاله گفته شد، به نتایجی قرار زیر دست می‌یابیم:

- دورهٔ تیموریان هرات از شکوفاترین دوره‌های ادب و هنر در سرزمین ما بوده است، که در این دوره‌ها برعلاوهٔ ادبیات، هنر نقاشی جای‌گاه متعالی یافته بود؛
- در دورهٔ تیموریان هرات، شمار زیادی از اهل هنر وجود داشتند و به ایجاد آثار هنر نگارگری همّت می‌گماشتند؛ اما سرآمد همه هنرمندان این دوره در هنر نقاشی، استاد کمال‌الدین بهزاد هروری بود، که جای‌گاه بلندی در هنر و نگارگری داشته است. او در نزد شهزاده‌گان تیموری جای‌گاه رفیع یافت و بعد از سقوط تیموریان در دربار صفویه نیز جای‌گاه بلند یافته بود. بهزاد هروری، شاگردان زیادی تربیت کرد و بر هنرمندان زیادی در هرات و خارج هرات، تأثیرگذار بوده است؛
- با فروپاشی حاکمیت تیموریان در هرات، هنرمندان هرات نیز به وضع نامناسبی مواجه شدند. با مهاجرت اهل هنر به ماوراءالنهر و شبه‌قاره و نیز با بردن هنرمندان توسط صفویه به تبریز و سایر مناطق فارس، مکتب هنری هرات در نگارگری بدان مناطق برده شد. بدین‌اساس می‌توان گفت که توسعهٔ هنر و ایجاد آثار هنری در مناطق مشرق و جنوب و در مغرب و شمال هرات، محصول انتشار مکتب نگارگری هرات بدان مناطق بوده است؛

- بعد از فروپاشی تیموریان، هنر نگارگری در هرات رو به افول نهاد و تا دوران معاصر وضع خوبی نداشته است. سرانجام در این دوره نیز، مشعل غوری هروی از هرات سر برآورد و به احیای نگارستان بهزاد پرداخت. وی آثار زیادی را نقاشی و نگارگری کرد، که از وی به یادگار مانده است؛

- تربیه شاگردانی از جانب مشعل باعث شد، که هنر نگارگری در هرات دوباره احیا شود و شاگردانی راه بهزاد و راه او را بعد از وفاتش ادامه دهند. امروزه هنر نگارگری و خطاطی در هرات رونق خوبی دارد؛ اما این رونقی که مشاهده می‌شود، در حقیقت نتیجه میراث‌های بهزاد هروی و کوشش‌های مشعل غوری هروی در احیای نگارستان بهزاد است.

۱۱. پیش‌نهاد

آنچه در این مقاله گفته شد، تصویر کوتاهی از نگارگری هرات در دوره تیموریان و ادامه آن تا امروز را ارائه داشت. پیش‌نهاد می‌شود، اهل هنر در حوزه‌های اکادمیک، موضوع «مکتب نگارگری هرات از بهزاد تا مشعل» را به حیث رساله علمی در یکی از مقاطع تحصیلی یا برای رتبه‌های علمی دانش‌گاہی، به بحث و پژوهش گیرند.

ORCID

Fazlurrahman Faqihi



<https://orcid.org/0009-0004-6748-1387>

سرچشمه‌ها

۱. افضل‌ی، محمد اسلم. (۱۳۹۰). **هرات در عهد تیموریان**. هرات: انتشارات احراری.
۲. جکسون، پیتز؛ لاکهارت، لورنس. (۱۳۸۷). **تاریخ ایران کمبریج**. ترجمه تیمور قادری. تهران: انتشارات مهتاب.
۳. حبیبی، عبدالحی. (۱۳۹۱). **تاریخ افغانستان قبل از اسلام**. کابل: انتشارات میوند.
۴. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامه دهخدا**. چ دوم از دوره جدید. تهران: انتشارات دانش‌گاه تهران.
۵. زیارت‌جاهی، جاوید. (۱۴ / قوس / ۱۳۹۶). «**آثرهای هنری تیموریان هرات به نمایش گذاشته شدند**». سایت خبری طلوع نیوز: تاریخ برداشت (۲۵ / سرطان / ۱۴۰۱): <
<https://tolonews.com/fa/arts> >
۶. ژوبل، محمد حیدر. (۱۳۸۳). **تاریخ ادبیات افغانستان**. چ چهارم، کابل: انتشارات میوند.

۷. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن بن محمد بن ابی بکر. (بی تا). **الضوء اللامع لأهل القرن التاسع**. بیروت: منشورات دار مکتبة الحیاة.
۸. سلجوقی، نصرالدین. (۱۳۹۱). «**معاصران مطیع سلجوقی**» (ضمیمه گنجینه نور؛ مجموعه اشعار مطیع سلجوقی). هرات: انتشارات احراری.
۹. شبلی، نعمانی. (بی تا). **شعرالعجم**. ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی. چ دوم. تهران: دنیای کتاب.
۱۰. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۹). **تاریخ ادبیات در ایران**. چ سیزدهم. تهران: انتشارات دیبا.
۱۱. غبار، میرغلام محمد. (۱۳۸۷). **افغانستان در مسیر تاریخ**. چ پنجم. کابل: بنگاه انتشارات میوند.
۱۲. غبار، میرغلام محمد. (۱۳۸۸). **افغانستان در مسیر تاریخ**. پشاور: کتاب‌خانه دارالسلام.
۱۳. غواص، محمد علم. (۱۳۲۷). «**مجله ادبی هرات**». مجله هرات. نشریه انجمن ادبی هرات. دور دوم. سال اول. شماره ششم. هرات: انجمن ادبی هرات.
۱۴. فصیح خوافی هروی، احمد بن محمد. (۱۳۸۶). **مجمل فصیحی**. با مقدمه و تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی. تهران: انتشارات اساطیر.
۱۵. فقیهی هروی، فضل‌الرحمن. (۱۴۰۱). **تاریخ ادبیات هرات** (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز). چ دوم. تهران: نشر احسان.
۱۶. فکری سلجوقی، عبدالرؤوف. (۱۳۴۹). **خیابان**. کابل: نشرات انجمن جامی.
۱۷. مقریزی، أحمد بن علی بن عبدالقادر. (۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م). **السلوک لمعرفة دول الملوك**. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. هشت جلد. بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه.
۱۸. نعیمی، علی احمد. (۱۳۸۶). **تاریخ ادبیات افغانستان پنج استاد**. بخش سوم. کابل: مرکز نشراتی اقرأ.
۱۹. همایون، سرور. (۱۳۸۰). **هرات در دوره تیموری‌ها**. پشاور: اداره کتاب‌خانه سیار اریک.

References

1. Afzali, Mohammad Aslam. (2011). **Herat during the Timurians era**. Herat: Ahrari Publications. (Persian)
2. Dehkhoda, Ali Akbar. (1998). **Dehkhoda dictionary**. The second chapter of the new era. Tehran: Tehran University Press. (Persian)
3. Faqih Heravi, Fazl al-Rahman. (2022). **The history of Herat literature (from the beginning of the 12th century to today)**. Vol. II. Tehran: Ehsan. (Persian)

